

فرمانده وقت پلیس نیز که از همدستان وی بود به نحوی مشکوک در یک تصادف اتومبیل درگذشت.

اینک گوشه‌هایی از ماجرای بن‌برکه که یکی از مهم‌ترین قتل‌های سیاسی دوران ملک-حسن محسوب می‌شود، به صورت یک فیلم که محصول مشترک فرانسه، اسپانیا و مراکش می‌باشد، از نو بازسازی شده است. سرژ لوپرون و سعید سمیعی کارگردان‌های این فیلم که «من دیدم بن‌برکه کشته شد» نام دارد، کل این داستان را نه به نحوی مستقیم و مربوط به سرگذشت بن‌برکه، بلکه بر اساس روایت و سرگذشت زرر فیگون یکی از شاهدان اصلی این ماجرا بنا کرده‌اند؛ جنایتکار خردپایی که او نیز چندی پیش شهادت داد که بن‌برکه به دستور ژنرال اوفکیر کشته شد.

شماره ۱۶۲

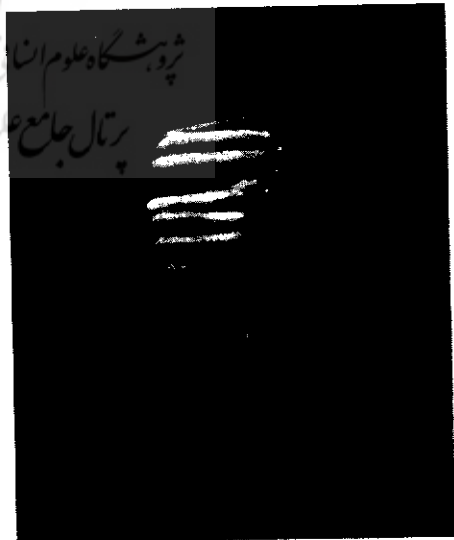
ظاهراً فیگون تحت عنوان آنکه قصد دارد دربارهٔ استقلال مراکش یک فیلم مستند بسازد با مهدی بن‌برکه تماس گرفته بود و از این طریق او را در تله‌ای گرفتار کرد که در نهایت به قتل وی منجر شد. چندی بعد جسد خود فیگون نیز که ظاهراً خودکشی کرده بود، پیدا شد.

کارگردان‌های این اثر که اخیراً در مراکش به نمایش گذاشته شده است آن را نه یک «فیلم مستند، بلکه داستانی در حول و حوش واقعیت» نام نهاده‌اند و هدف اصلی خود را نیز بیشتر یک یادآوری و تأکیدی بر لزوم عمومی کردن این گونه مباحث دانسته‌اند.^۱
یادداشت‌ها:

۱. برای یکی از گزارش‌های جدید دربارهٔ این تحولات و اوضاع کلی مراکش بنگرید به:
The Economist, April 8th 2006
۲. به نقل از:
Moroccotimes. Com, Oct 29, 2005 & May 7, 2006

چچن‌ها چه می‌خواهند؟

از آخرین دور رویارویی روس‌ها و چچن‌ها بیش از پانزده سال می‌گذرد. حذف و انهدام تمامی نیروهای سیاسی‌ای که حضور و مشارکت آنها می‌توانست به نوعی زمینه حل و



فصل سیاسی و مسالمت‌آمیز این مناقشه را فراهم کند، یکی از مهمترین نتایج اسفبار این رویارویی بوده است.

اینک در حالی که تشکیلات حکومتی منصوب روسیه در گروزی - پایتخت چینستان - یک گروه مافیایی بیش نیست که به هیچ وجه از پشتیبانی عمومی برخوردار نمی‌باشد، در سوی دیگر این معادله، رکن عمده نیروی مقاومت چین‌ها را نیز گروه‌های بنیادگرایی تشکیل می‌دهند که جز توسل به یک تروریسم کور و باطل، وجه مشخصه دیگری ندارند. حال آنکه در آغاز چنین نبود.

پس از یک سرآغاز تند و توفانی که ریاست جمهوری شخصیت نامتعادلی چون جوهر دودایف را بر چینستان (۱۹۹۶-۱۹۹۱) می‌توان نماد این دوره به شمار آورد، با انتخاب اصلان مسخدوف - فرمانده ستاد نیروهای نظامی چین - به ریاست جمهوری چینستان بعد از کشته شدن دووایف، برای مدت زمانی کوتاه زمام امور در دست نیروهای نسبتاً معتدلی قرار گرفت که می‌توانستند برای این مناقشه راه‌حلی سیاسی بیابند. امضای یک قرارداد ترک مخاصمه و خروج نیروهای نظامی روسیه از چینستان نیز در همین دوره حاصل شد (۱۹۹۶). ولی سیاست جدید روسیه که در زمامداری افرادی چون ولادیمیر پوتین متبلور شد راه و روش جدیدی در پیش آورد که با یک تعرض نظامی آغاز شد - ۱۹۹۹ - و

به صورت کشتار و آزار گسترده غیرنظامیان چین هنوز هم ادامه دارد.

همانگونه که اشاره شد حذف و انهدام نیروهایی که حضور آنها می‌توانست به حل و فصل مسالمت‌آمیز این مناقشه کمک کند، یکی از مهمترین نتایج این خط مشی جدید روسیه بود. با کشته شدن اصلان مسخدوف، آخرین ریاست جمهور منتخب چینستان طی حمله یک واحد امنیتی روسیه در بهار سال گذشته تقریباً از این گروه جز چند چهره پراکنده، شخصیت دیگری بر جای نمانده است.

احمد ذکایف فرستاده اصلان مسخدوف به اروپا که چندی پیش توانست در برابر فشار روسیه، از دولت بریتانیا پناهندگی سیاسی بگیرد، یکی از این معدود شخصیت‌ها است.

احمد ذکایف در پاییز سال گذشته سخنانی را در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن - (SOAS) - ایراد کرد که ترجمه متن اصلی آن که در همان ایام در پایگاه اینترنتی [chechenpress/28 Nov05](http://chechenpress/28_Nov05) منتشر گردید. این سخنرانی که به دنبال این یادداشت خواهد آمد. از لحاظ ترسیم سِمه‌ای از وضعیت کلی چینستان و تأکید بر لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز این مناقشه سخنان مهم و مستدلی است .

کاوه بیات